فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc502145477)

[آیات مسارعه 2](#_Toc502145478)

[احتمالات در معنای سرعت 2](#_Toc502145479)

[شمول آیات سرعت در عمل خیر نسبت به مقدمات عمل 3](#_Toc502145480)

[کیفیت و تسریع حساب شده در اعمال 4](#_Toc502145481)

[شمول خیرات نسبت به ترک محرمات و مکروهات 5](#_Toc502145482)

[نسبت سرعت با عجله 5](#_Toc502145483)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تدریج و تسریع در تربیت**

# اشاره

بحث ما در اصل و قاعده تدریج بود، به مناسبتی وارد در اصل تسریع و اقدام سریع در کارهای تربیتی و به‌طورکلی کارهای خیر شدیم، اصل تسریع یک قاعده عامه فقهیه است که در تعلیم و تربیت جاری می‌شود، هر چند اختصاص به تعلیم و تربیت ندارد اما امکان دارد در تعلیم و تربیت ادله خاصه‌ای برایش پیدا بشود.

در حقیقت یک قانون و قاعده و اصلی به نام اصل تسریع و شتاب در وظایف تعلیم و تربیتی داریم که در بخش تعلیم و تربیت هم جاری می‌شود، مبنای این قانون و قاعده، آیات و روایاتی می‌تواند باشد که بخشی از آن‌ها عام است و احیاناً می‌شود آیات و روایات خاصی هم پیدا کرد.

بحث ما ابتدا در ادله عامه و مطلق و فراگیر و اعم از تعلیم و تربیت بود، در اینجا بیان شد که دو طایفه از آیات در اینجا وجود دارد:

# آیات مسارعه

آیاتی بود که واژه سرعت و یسارعون یا سارعوا در آن‌ها بکار رفته بود، عمدتاً چهار آیه بود، یک آیه با خطاب امر بود که عبارت است از: «**وَ سارِعُوا إِلى‌ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ**»[[1]](#footnote-1)، سه آیه دیگر به شکل توصیفی آمده بودند که عبارت‌اند از: «**أُولئِكَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ**»[[2]](#footnote-2)، «**يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ**»[[3]](#footnote-3)، «**إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ**»[[4]](#footnote-4)، ذیل آیات مسارعه، حدود هفت مطلب ذکر شد، آخرین نکته‌ای که ذکر شد، این بود که به نحوی آیه تقریر می‌شد که از آن یک تکلیف فوراً ففوراً استفاده می‌شد.

## احتمالات در معنای سرعت

وقتی می‌گوید: یسارعون یا سارعوا که از باب مفاعله است و در آن یک اشتدادی هم هست و این لفظ به کار گرفته می‌شود و استعمال می‌شود، دو احتمال در معنای آن است:

1. از یک منظر کلی شاید گفته شود که فقط سرعت در مقابل بطئ را می‌رساند، یعنی بطیء در انجام نیکی‌ها و خیرات نباش، تحرک داشته باشد، در عرف درجاتی را بطئ می‌گویند و بعدازآن گفته می‌شود که سرعت دارد.

2. احتمال دوم این است که یسارعون و سارعوا یک حکم نیست، بلکه می‌گوید که سرعت و بعدازآن، سرعت بیشتر و همین‌طور الی‌آخر، حکم دارای طبقات و درجات و به تعبیری فوراً ففوراً است.

 ما گفتیم که احتمال دوم قوی‌تر است، سارعوا مثل «**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ**»[[5]](#footnote-5) است، یعنی هر درجه‌ای از تقوا می‌آید، می‌فرماید که اگر توان بیشتری داری، تقوا را بیشتر کن، حکم پلکانی دارد و دارای درجات و غیر متوقف در یک سطح است. از آیه‌ای مثل «**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ**»، یا «**فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ**»[[6]](#footnote-6) و از مناسبات حکم و موضوع و از اینکه در مفهوم سرعت و صیغه سارعوا که در آن مبالغه و اشتدادی هست، مجموعاً چنین حکم طبقه‌بندی غیر متوقف در یک درجه استفاده می‌شود.

اگر بخواهیم خطاب که عمدتاً تکلیف استحبابی مؤکد است، بر انواع واجبات تطبیق بدهیم، این‌طور می‌شود که در واجبات غیرموقت، یا مستحبات غیرموقت، فوراً ففوراً است، در واجبی که موقت است، اما وقت موسع دارد، مثل نماز، در اینجا هم یک تکلیف استحبابی فوراً ففوراً است، یعنی هر چه نزدیک‌تر به اول وقت باشد، ثواب نماز بیشتر است، در مضیق اگر یک محدوده امکان تعدد امتثال باشد، در آنجا هم جاری می‌شود، اما اگر واجب مضیقی باشد که به طور مثال این عمل دقیقاً در این مقطع زمانی انجام می‌شود، این عمل مصداق سارعوا نیست، اما در واجبات موسع در وقت خود و واجبات غیرموقت، بدون وقت، استحباب عمل فوراً ففوراً است، در قضای عمل فوت‌شده هم سارعوا جداگانه صدق می‌کند.

## شمول آیات سرعت در عمل خیر نسبت به مقدمات عمل

مطلب دیگر این است که «**يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ**»، آیا فقط به معنای اقدام سریع نسبت به خود عمل است، یا اینکه مقدمات عمل را هم در برمی‌گیرد، ابتدائاً به ذهن می‌آید که «یسارعون فی الخیرات»، یعنی خود عمل انجام می‌شود، اما با دقت، مسارعه به عمل، یعنی تمهید مقدمات برای اینکه عمل انجام بشود، بنابراین سبقت و سرعت‌گیری در انجام عمل، نسبت به مقدمات هم شمول دارد، درواقع سرعت گرفتن در عمل، یعنی انجام مقدماتی که سریع عمل انجام بشود.

## کیفیت و تسریع حساب‌شده در اعمال

تا الآن «**یسارعون فی الخیرات**» را کمّی زمانی تلقی می‌کردیم، این عمل با شتاب در زمان زودتری واقع بشود، آیا این مطلب می‌تواند با بحث‌های کیفی عمل، ربطی پیدا بکند یا نه؟ در اینجا بحث کمی است، یعنی این عمل در زمان زودتر واقع بشود، ظاهر آیات این مطلب را می‌رساندند.

مراتب کیفی یک عمل که عمل با کیفیت هر چه بیشتر انجام بشود، یعنی عمق و دقت بیشتر در عمل ایجاد بشود، یا جامع‌تر و کامل‌تر عمل انجام بشود را در برمی‌گیرد، یا فقط بحث زمانی است و اینکه عمل زودتر انجام بشود ملاک است؟

کیفیت و شرایط پیرامون عمل، یک قواعد و ادله‌ای جداگانه دارد، شبیه یسارعون است، یعنی کیفیت هر چه بیشتر و بهتر انجام بشود، الاحسن فالاحسن فالاحسن، یعنی هر چه می‌شود کیفیت عمل را بالا ببریم، «**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ**».

بنابراین یسارعون و سارعوا، مفاد مطابقی و مدلول اصلی‌اش همان سبقت زمانی است، آیه ظهور در بحث زمانی دارد.

ظهور عرفی سارعوا، شتاب در انجام عمل است، قاعده دیگر می‌گوید که کیفیت در عمل را بالا ببرید، درنتیجه عمل را زودتر و با کیفیت بالاتر انجام بدهید.

در آیه‌ای «**یسارعون فی الخیرات**»، آمده و در آیه دیگر «**وَ سارِعُوا إِلي مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ**» ذکر شده است، در حقیقت خیرات چون مقدمه مغفرت است، در سه آیه در مورد خود اعمال آمده است، مغفرت هم حاصل عمل است که مترتب بر عمل می‌شود، گاهی مستقیم ترغیب به مسبب و گاهی ترغیب به سبب می‌شود، در سه آیه به سبب ترغیب شده و در یک آیه به مسبب ترغیب شده است، البته با توجه به اینکه خیرات به معنای اعمال و طاعات گرفته شود که ظاهرش هم همین است، یک احتمال دارد که منظور از خیرات، همان مسبب است، در این صورت مغفرت و خیرات یکی می‌شوند، اگر خیرات به معنای طاعات گرفته شود، در یکجا سرعت به سبب و در یکجا به مسبب تعلق گرفته است.

## شمول خیرات نسبت به ترک محرمات و مکروهات

نکته دیگر این است که ابتدائاً به ذهن می‌آید که خیرات شامل طاعات، یعنی واجبات و مستحبات می‌شود، علاوه بر این شمول نسبت به واجبات و مستحبات، بعید نیست که شامل ترک معاصی هم بشود، اگر کسی معصیت دارد و باید ترک بکند، می‌گوید که هر چه زودتر ترک بکن.

بنابراین خیرات هم واجبات، هم مستحبات، هم ترک محرم و هم ترک مکروه را در برمی‌گیرد، ولو اینکه مستقیم متعلق امر نیست، امر به شیء شاید نهی از ضد نمی‌کند، یا نهی از شیء امر به ضدش ندارد، اما درعین‌حال، خیرات آن‌ها را در برمی‌گیرد، خیرات؛ ترک معصیت و مکروه را هم در برمی‌گیرد، اگر لفظاً در برنگیرد، حتماً مناط و ملاکش، آن را در برمی‌گیرد، اگر بگوییم نهی از شیء، امر به ضدش است، خیرات است، اگر این مطلب گفته نشود، یک نوع تلازم عقلی دارد و همان کفایت می‌کند که خیرات بر آن صادق باشد، دلیل این شمول این است که اولاً خیرات یک مفهوم عرفی است و این مفهوم عرفی چیزی است که خیر شخص در آن باشد، فعل یا ترک را در برمی‌گیرد، اگر بگوییم شمول لفظی ندارد، حتماً مناطش را در برمی‌گیرد، لذا «**وَ سارِعُوا إِلي مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ**»، اختصاص به فعل واجب یا مستحب ندارد، ترک حرام و مکروه هم مشمولش می‌شود.

اگر می‌گفتیم که سارعوا فقط مستحب را می‌گوید، این را در برنمی‌گرفت، برای اینکه هر چه زودتر ترک معصیت لازم است، اما چون ما گفتیم سارعوا می‌تواند در یک مواردی حتی وجوب داشته باشد، فوراً ففوراً به ظهور وجوبش تحفظ بشود، ترک محرمات هم به وجوبش باقی است، یعنی می‌گوید که محرمات را فوراً ففوراً ترک بکن.

# نسبت سرعت با عجله

نکته دیگر، بحث نسبت سرعت باعجله است، بعضی جاها هست که گفته می‌شود عجله نکن، عجله یک امر مذمومی است، تمایز سرعت و عجله در چیست؟ چیزی که در لغت گفته‌شده، این است که عجله در حقیقت اقدام سریع مذموم است، ملاکی برای آن ذکر نشده است، «**وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ**»[[7]](#footnote-7)، همچنین بحث‌های اخلاقی است که می‌گوید عجله نکنید.

در لغت عجله این‌طور ذکر شده که «**العَجَلَةُ طَلَبُ الشيءِ و تَحَرِّيه قَبْلَ أَوَانِه**»[[8]](#footnote-8)، عجله انجام عمل قبل از موعد آن است، عجله، شتاب‌زدگی بی‌‌مورد است.

سرعت دو معنا دارد، یک معنای عام است که به معنای مطلق شتاب است و یک معنای خاص است که مقابل عجله قرار می‌گیرد.

اگر گفته شود که عجله هم یک معنای عامی دارد، لذا می‌توانیم بگوییم که این عجله و سرعت دو معنا دارند، سرعت یک معنای عام دارد، سرعت در مقابل بطئ در هر حرکتی است، معنای دوم سرعت، شتاب منطقی و قاعده‌مند و ممدوح است، در عجله هم بعید نیست که گفته شود دو معنا دارد، معنای عام دارد که یعنی شتاب، معنای خاص است که سرعت بی‌مورد و مذموم است، این دو واژه از نظر لغوی، هر دو در معنای عام مساوی هستند، هرکدام معنای خاص دارند که افتراق پیدا می‌کنند، می‌شود گفت که از قبیل جایی است که «إذا اجتمعا افترقا و إذا افترقا اجتمعا».

هر دو یک معنای عام دارند که مدح و ذم و حسن و قبح رعایت نشده است، شتاب به معنای موضوعی دیده‌شده.

عجله می‌تواند در امر ممدوح بکار برود، مثل «عجل لولیک الفرج» و سرعت هم می‌شود در امر مذموم به کار برود.

هر یک از این دو، معنای خاص دارند که مقابل یکدیگر می‌شوند، سرعت به معنای خاص، درآیات استفاده‌شده، یعنی شتاب حساب‌شده و اصولی است، عجله یعنی شتاب نادرست.

1. - سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 133. [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مبارکه مؤمنون، آیه 61. [↑](#footnote-ref-2)
3. ـ سوره مبارکه آل‌عمران، آیه 114. [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره مبارکه انبیاء، آیه 90. [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره مبارکه تغابن، آیه 16. [↑](#footnote-ref-5)
6. ـ سوره مبارکه مزمل، آیه 20. [↑](#footnote-ref-6)
7. ـ سوره مبارکه طه، آیه 114. [↑](#footnote-ref-7)
8. ـ راغب اصفهانی، مفردات قرآن. [↑](#footnote-ref-8)